بسم‌الله الرحمن الرحیم

# پدر مهربان

## فردایی در راه است...

عزیزان من! **امروز ملّت ما و کشور ما دشمنانی دارد**؛ دشمنانی که سعی می‌کنند از هر راهی برای نفوذ در کشور و تسلّط بر این کشور استفاده کنند؛ یکی از راه‌هایی که آن‌ها در پیش می‌گیرند، نفوذ در جوانان ما و نوجوانان ما است؛ سعی کنید به خودتان مصونیّت [ایمنی از خطرات] ببخشید؛ **نه فقط به خودتان، [بلکه] به پیرامونیان خودتان** **-** به کسانی که با آن‌ها هم‌کلاس هستید، هم‌درس هستید، هم‌بازی هستید - **در مقابل دشمنان مصونیّت ببخشید.**

استعداد شما امروز برای خودسازی خیلی زیاد است؛ از این فرصت استفاده کنید.

**شما مردان فردا، مدیران فردا... و شخصیّت‌های فردا هستید.** فردای این کشور متعلّق به شما نوجوانان است؛ شماها هستید که این کشور و این ملّت را و این حرکت را و این تاریخ را اداره خواهید کرد؛ **خودتان را برای آن‌ روز آماده کنید.**

(امام خامنه‌ای، 13/02/1395)

# برای دوستم چی بفرستم؟

* جرج جرداق مسیحی بیش از200 بار نهج‌البلاغه را خوانده‌است.

ای شیعیان علی! ما چند بارخوانده‌ایم؟

* حکمت 10 نهج‌البلاغه: با مردم آن‌گونه معاشرت كنيد كه اگر مرديد، بر شما اشك ريزند؛ اگر زنده مانديد، با اشتياق سوى شما آيند.

# سیره شهدا و فرهنگ پایداری

## بی‌تفاوت نبود، تو هم نباش

با وجود این‌که از نظر استعداد در سطح شاگردان ممتاز قرار داشت ولی همیشه در کارهای منزل و مغازه به خانواده کمک می‌کرد.

حمید در سمت‌های مختلف، به عنوان مسئول تبلیغات، آموزش، سازماندهی و هماهنگی بسیج مدرسه نسبت به برگزاری نمازهای جماعت در مدرسه، برگزاری اردوهای فرهنگی، برپایی مسابقات قرائت قرآن کریم، انجام مراسم صبحگاهی، جمع‌آوری کمک‌های نقدی و غیر نقدی جهت ارسال به جبهه‌ها، برگزاری مراسم‌ فرهنگی- مذهبی و تشکیل گروه سرود و نمایش، اعزام دانش‌آموزان به مسابقات تیراندازی و رزمایش‌های نظامی اقدام می‌نمود.

(دانش‌آموز شهید حمیدرضا اسلامی‌فر)

**بچه‌ها! ما دانش‌آموزا چقدر مثل این آقا حمیدرضای شهید – که هم‌سن و سال ماها بوده- نسبت به اطرافیان‌مون احساس مسئولیت می‌کنیم؟**

# هنر و خلاقیت

## ظرف میوه

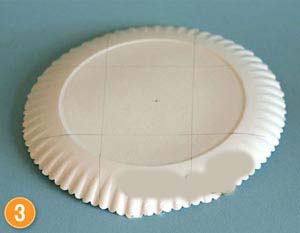
**وسایل مورد نیاز:**

1. بشقاب یک‌بار مصرف
2. قیچی
3. نوارچسب تزیینی
4. گیره فلزی
5. مداد و خط‌کش

[](http://www.tebyan.net/bigimage.aspx?img=http://img.tebyan.net/big/1395/03/20160607135033462_2.jpg)

1. ابتدا در پشت بشقاب مانند تصویر زیر و با خط‌کش، تصویر مربعی در مرکز و خط‌های اطراف آن را رسم کنید.

این کار با دقت انجام شود تا ظرف تمیزتر و ظریف‌تر به‌دست بیاید.

[](http://www.tebyan.net/bigimage.aspx?img=http://img.tebyan.net/big/1395/03/20160607135033696_3.jpg)

1. سپس خط‌های منتهی به گوشه بشقاب را مانند شکل قیچی بزنید.

[](http://www.tebyan.net/bigimage.aspx?img=http://img.tebyan.net/big/1395/03/20160607135033930_4.jpg)

1. بشقاب را وارونه نمایید و مانند زیر آن را جمع نموده و گیره بزنید.

[](http://www.tebyan.net/bigimage.aspx?img=http://img.tebyan.net/big/1395/03/20160607135034148_5.jpg)

1. پس از آن در قسمت وسط ظرف نوار چسب بزنید و گیره‌ها را باز کنید.

[](http://www.tebyan.net/bigimage.aspx?img=http://img.tebyan.net/big/1395/03/20160607135034445_6.jpg)

(به نقل از [کانال کودک و نوجوان تبیان](https://telegram.me/tebyankoodak))

فکر کنید و بیندیشید که با خلاقیت خود برای زیباتر شدن این ظرف میوه، چه کارهای دیگری می‌توانید انجام دهید؟

# هوشو سرگرمی

## یک معما، یک چیستان

چیستان

آب بخورد می‌میرد؟

معما

کشتی ژاپنی وسط دریا بود. قبل از رسیدنش به مقصد، ناخدای کشتی رفت حمام کند. ساعت طلا و انگشتر الماسش را درآورد و روی میز گذاشت، اما بعد از این‌که از حمام بیرون آمد، نه ساعتش را دید و نه انگشترش را. چهار تا از افسران را صدا کرد و از همه آن‌ها فقط یک سؤال پرسید:

اینکه یک ربع قبل کجا بودند و اهل کجا هستند؟

افسر ملوان هندی گفت: «من خواب بودم زیرا کشیک نیمه‌شب با من بوده.»

افسر مخابرات انگلیسی گفت: «من در اتاق مخابرات مشغول تلگراف خبر رسیدن‌مان به بندر بعدی بودم.»

رئیس دریانوردان سریلانکایی گفت: «من بالای دکل بودم و داشتم پرچم را که وارونه شده بود، درست می‌کردم.»

افسر مکانیک مصری گفت: «من در موتورخانه نقص فنی موتور سمت راست را درست می‌کردم.»

به محض اینکه صحبت چهارافسر تمام شد، کاپیتان دزد ساعت و انگشترش را شناخت.

سؤال: سارق کیست؟ و چگونه ناخدا او را شناخت؟

﻿پاسخ چیستان:

آتش

پاسخ معما:

پرچم کشور ژاپن بر بالای کشتی نصب شده است، زیرا در اول معما می‌گوید: «کشتی ژاپنی وسط دریا بود»، و به‌دلیل این‌که پرچم ژاپن وارونه هم که بشود، باز همان پرچم ژاپن است، افسر سریلانکایی که گفته بود «داشتم پرچم را که وارونه شده بود، درست می‌کردم»، دروغ گفته است.

# یک پیشنهاد

## فهمیده‌‌های مدرسه

گردآورنده: روح‌الله مالمیر/ قطع: رقعی/ انتشارات منادی تربیت/ 88 صفحه/ 6000 تومان، چاپ 1392

روزی که دشمن به این آب و خاک حمله کرد، بیش از نیم‌میلیون از دانش‌آموزان نیمکت‌نشین مدارس سراسر کشور، مداد و دفتر خود را زمین گذاشتند **تا فرمان امام فرزانه‌ خود را پاسخ داده و برای باطل کردن خواب و خیال‌های دشمن،‌ درس و مشق خود را در جبهه‌ها ادامه دهند.**

این کتاب شامل 64 قطعه ادبی و داستانی به یاد کوچک‌ترین شهیدان دانش‌آموز 32 استان کشور است.  
در این کتاب به معرفی زندگی‌نامه و خاطرات اولین گروه از فهمیده‌های مدارس ایران (دانش‌آموزان شهید) پرداخته شده است.

# دانستنی‌ها

## تخم‌مرغی عجیب

درون تخم‌مرغ‌ها سه مایع وجود دارد: سفیده، زرده و نطفه. نطفه باعث پیدایش جوجه می‌شود و زرده خوراک اوست تا بتواند 21 روز ارتزاق کند. مقدار این مایع خوراکی به گونه‌ای تنظیم شده‌است که جوجه در طی این مدت، دقیقه‌ای گرسنه نمی‌ماند و ذره‌ای از زرده تخم‌مرغ نیز باقی نمی‌ماند. در قسمت انتهای تخم، یک قسمت خالی به چشم می‌خورد که در آن هوایی برای تنفس جوجه ذخیره شده‌است. به راستی کدام قدرت است که آن مقدار هوا را درون تخم نهاده است تا جوجه برای ادامه حیات از آن استفاده کند؛ جز قدرت خداوند حکیم؟

(به نقل از تارنمای حوزه)

**آیا این بخش از زیبایی و لطافت خلقت را می‌دانستید؟**

# حکایت

## فقیر پول‌دار

مرد فقیری از خدا پرسید: چرا من این‌قدر فقیر هستم؟

خدا پاسخ داد: چون یاد نگرفته‌ای که بخشش کنی!

مرد گفت: من چیزی ندارم که ببخشم؟  
خدا پاسخ داد: دارایی‌هایت کم نیست!

یک صورت که می‌توانی لبخند برآن داشته باشی!

یک دهان که می‌توانی از کار نیک دیگران تمجید کنی و حرف خوب بزنی!  
یک قلب که می‌توانی به روی دیگران بگشایی!  
چشمانی که می‌توانی با آن‌ها به زیبایی‌های خلقت نگاه کنی!  
بزرگ‌ترین فقر ما آدم‌ها فقر روحی است نه جسمی! چه بسا سرمایه‌داران بسیاری‌اند که حسرت یک لحظه داشتن شیرینی زندگی فقرا را می‌خورند. فقیر هم که باشی ولی روحت بزرگ که باشد، پول‌دارترینی.

# یادداشت اول

## آدم‌های پوشالی

خوش‌تیپ بود و پرجذبه. بازیگر خوبی بود. برای روزگاری که صندلی‌های سینما تار عنکبوت بسته بودند، فیلم‌های او سینما رفتن را «صفی» کرده بود. جلوی دکه روزنامه‌فروشی‌ها هم مُحال بود عکسش را پیدا نکنی.

**عاشقش بودم. پوسترش را زده بودم کنج اتاق.** با هر تغییری در تیپ و قیافه او من هم تغییر می‌کردم. زیر و بم زندگی‌اش را از خودش بهتر می‌دانستم.

خبر آمد به بهانه کاهش وزن، شیشه می‌کشد. کم‌کم چهره‌اش از رسانه‌ها حذف شد. من هم یادم رفت که روزی روزگاری چقدر دوستش داشتم.

به پوسترهای کدر دوران نوجوانی‌ام که سال‌هاست از ديوار کنده شده‌اند، زل می‌زنم و **به ستاره‌هايی فکر می‌کنم  که با کاغذ روزنامه‌ها و مجله‌ها باد می‌شوند و از بس توخالی‌اند خيلی زود می‌ترکند و از بين می‌روند.** سال‌هاست تصميم گرفته‌ام به آدم‌های پوشالی دل نبندم.

# احکام

## خوب بجو

تقریباً هیچ استفاده مفیدی از دندان‌هایش نمی‌کند. هنوز لقمه وارد دهانش نشده قورتش می‌دهد!

شاید نمی‌داند

**خوب جویدن غذا از مستحبات است.**

متن دقیق رساله:

چند چيز در غذا خوردن مستحب است:

... دهم: غذا را خوب بجود.

توضیح المسائل امام، مسئله 2636

# در محضر قرآن

## استخوان‌های پوسیده

**فراموشی هم از نعمت‌های خداست. ولی خب، از این نعمت هم می‌شود سوءاستفاده کرد.**

\*\*\*

**وَضَرَبَ لَنَا مَثَلاً وَ نَسیَ خَلقَهُ**آفرینش نخستینش را فراموش کرد و برای ما مثالی زد.

استخوانی دستش بود؛ استخوانی زهوار دررفته. با یک فشار خرد و خمیر شد. ذرات پوسیدۀ استخوان که به زمین می‌ریخت، نگاه متکبرانه و شیطنت‌بارش را به رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) دوخت:

چه کسی این استخوان‌های پوسیده را زنده می‌کند؟!

«الله آن را زنده می‌کند. تو را هم می‌میراند، سپس زنده می‌کند و [اگر اسلام نیاوردی] داخل جهنم می‌کند.» با شنیدن این جملۀ حضرت، استخوان‌هایش سوخت.

**قُل یُحییهَا الَّذی أَنشَأَها أَوَّلَ مَرََّةٍ وَ هُوَ بِکُلِّ خَلقٍ عَلیمٍ[[1]](#footnote-1)**بگو همان که نخستین بار به وجودش آورد زنده‌اش می‌کند. او به هر آفرینشی داناست.

اما کسی را که خودش را به خواب زده نمی‌توان بیدار کرد. با همان تکبر برگشت تا آمادۀ جهنم شود!

# در محضر اهل بیت

## اگر خوبی کنیم

**برای خوبی کردن منتظرِ چه هستیم؟ منتظریم به هرکس خوبی کردیم، جوابش را از خودش بگیریم؟**

\*\*\*

«ای اسحاق! چرا و چگونه چنین جفایی در حق برادرانت مرتکب شدی؟!» اسحاق به فکر فرورفت. یادش آمد در مسجدِ کوفه سلام نکرده بوده. با خطاب دوباره حضرت‌صادق (سلام‌الله‌علیه) به خود آمد: «از آنان رد می‌شوی و سلام نمی‌کنی؟»

* به خاطرِ تقیه‌ای بود که در آن موقعیت داشتم.
* در تقیه ترکِ سلام نیست. حتی در شرایطِ تقیه جای نشرِ سلام است.

بعد هم برای این‌که خیالِ همه را راحت کرده باشند، فرمودند:

**إِنَّ الْمُؤمِنَ لَيَمُرُّ بِالمُؤمِنينَ فَيُسَلِّمُ عَلَيهِم فَتَرُدُّ المَلَائِكَةُ: سَلَامٌ عَلَيكَ وَ رَحمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ أَبَداً**[[2]](#footnote-2)  
جز این نیست که مؤمن بر گروهی از مؤمنان می‌گذرد و سلام می‌کند، پس فرشتگان پاسخ می‌دهند: سلام و رحمت و برکاتِ خداوند بر تو باد، تا ابد

وقتی جوابِ خوبی را این‌گونه می‌دهند، پس منتظرِ چه‌ایم؟!

# سؤالات

1. در محضر قرآن – چگونه می‌شود فهمید خداوند تواناست که بعد از مرگ ما را زنده کند؟
2. از آنجایی که اولین بار خودش ما را به وجود آورده.
3. از آنجایی که خداوند به هر آفرینشی داناست.
4. هر دو مورد
5. در محضر اهل بیت – چرا باید در هر موقعیتی به مؤمنان سلام کرد؟
6. چون جواب سلام واجب است.
7. چون فرشتگان جواب سلام ما را می‌دهند.
8. نباید در هر موقعیتی سلام داد.

**یادداشت اول-** دل بستن به ستاره‌های پوشالی چه اشکالی دارد؟

1. اشکالی ندارد، اتفاقاً خیلی هم خوب است.
2. باعث مریضی و ضعف قوای آدمی می‌شود.
3. این ستاره‌ها روزی افول می‌کنند. این وسط فقط هوادارانش وقت تلف کرده و آزرده شده‌اند.

احکام- جویدن زیاد غذا چه حکمی دارد؟

1. مکروه است.
2. مستحب است.
3. حرام است.

خلاصه:

خوش‌تیپ بود و پرجذبه. بازیگر خوبی بود. خبر آمد، به بهانه کاهش وزن، شیشه می‌کشد. کم کم چهره‌اش از رسانه‌ها حذف شد. من هم یادم رفت که روزی روزگاری چقدر دوستش داشتم. سال‌هاست تصميم گرفته‌ام به آدم‌هاي پوشالي دل نبندم.

1. یس78-79 [↑](#footnote-ref-1)
2. وسائل‌الشیعة؛ ج16، ص۲۲۶ [↑](#footnote-ref-2)